



## آمایش فرهنگی

## و چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴

بهروز واعظی، کارشناس ارشد فلسفه

مقصد برای رسیدن هستند. تردیدی نیست که داشتن "چشم‌انداز" و اهداف متعالی هم در حوزه فردی و هم در حوزه اجتماعی شرط حرکت و تحول استکمالی است زیرا چه یک فرد در حوزه افکار و اندیشه‌های خود و چه رهبران جامعه در برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت سازمان‌های کشور نیازمند آن هستند.

آدمی در زندگی فردی خود بطور طبیعی اندیشه‌های پراکنده دارد از موضوعی متوجه موضوع دیگر می‌شود و هر موضوع با خودش خاطره‌هایی را زنده می‌کند و اگر تسلسل خاطره‌ها قوا و استعدادها وجود آدمی را ضایع نکند بی‌ثمر می‌سازد و بسا به شقاوت و بدبختی می‌کشاند. شرط اصلی پیشگیری از پراکندگی خیال، داشتن "هدف" و افقی روشن برای نوع انسان در زندگی فردی و داشتن "افق آینده روشن" برای تجمع قوا و نیروهای جمعی در زندگی اجتماعی است. "چشم‌انداز" برای رهبری و مدیریت جامعه ابزاری حیاتی است که با ترغیب و اشتیاق موجبات تجمیم نیروها و انرژی‌ها و سمت و سو پیدا کردن فعالیتها، سیاستها و اهداف پیش بینی شده را فراهم می‌کند.

در کشور ما خوشبختانه از سال ۱۳۷۸ در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام برای هم جهت سازی سیاستهای کلی، ضرورت ترسیم و تبیین یک افق روشن در آینده ایران مطرح شده است و ظاهراً تا مدت‌ها مطالعات و مباحث تحت عنوان «افق آینده ایران اسلامی» ادامه یافته و در سال ۱۳۸۰ مفهوم "چشم‌انداز" بجای افق آینده مورد تأیید قرار گرفته است و هم اکنون سند چشم‌انداز به عنوان یک سند ملی به سران سه قوه ابلاغ گردیده و در صورت جدی شدن و سرایت آن به دستگاههای اجرائی این سند می‌تواند در پیشگیری از اعمال سلاقی شخصی مدیران استراتژیک و مدیران اجرائی در سطوح مختلف خاصه تقلیل اصطکاک‌های حاصل از آمد و شد دولتها با گرایشات متنوع نقش بی‌بدیل یفا کند. در مجموع یکی از زمینه‌های مناسب یک جهش بلند و رو به جلو فراهم شده است.

## حقیقت چشم‌انداز جامعه ایرانی چیست؟

مرحوم استاد شهید مطهری با الهام از تعالیم حیات بخش اسلامی اهداف انقلاب اسلامی را که در موفقیت تاریخی خود که با آن مواجه بود در سه امر خلاصه می‌کرد و آنها را پاسخی به نیازهای

ذهنی مانند دانه‌ای که در زمین کاشته می‌شود ابتدا پوشیده و پنهان است ولی به تدریج آن صورت ذهنی مانند دانه‌ای که از دل زمین می‌روید از فکر مهندس ظاهر می‌شود؛ چشم‌انداز نیز صورت ذهنی جامعه آرمانی و ایده‌آل یک ملت در ذهن و ضمیر رهبران و مدیران و آحاد مردم یک جامعه است که با

سرایت آن به آحاد مردم، به جامعه حس رفتن بسوی هدفی و حس پیشرفت و نوسازی و نشاط می‌بخشد. چشم‌انداز خیال‌ساختی مطلوب از آینده جامعه است که می‌تواند با سیاستها و برنامه‌های حساب شده به تدریج به منصه ظهور و بروز برسد.

تعریف این مقاله از چشم‌انداز عبارت است از: «تصویر آینده مطلوب کشور و طراحی و تبیین ویژگیهای آن در شوون گوناگون جامعه که با دیدی حکیمانه و پیامبرانه بعنوان «راهنمای عمل» در برنامه‌ها توسط رهبران و مدیران چشم‌انداز که از یک نوع قوه درونی که غیر از قوه ذهنی بوده و نوعی شم مأل اندیشی است برخوردارند قابل ارائه است. شم مأل اندیشی جامع‌نگر نسبت به تجسم آینده علاوه بر اینکه دیدی شاکرانه به دستاوردهای بشری دارد نگاهش بسیار عمیق‌تر از حدس ذهنی و گمان معمولی و رؤیت ساده آینده بوده و مبتنی بر نوعی حکمت و بصیرت و "چشم دل" است و لذا بیش از آنکه از جنس امور ذهنی باشد؛ امر قلبی و شهودی است و بیش از آنکه آرمان باشد هدف است و بدین لحاظ مقید به زمان و زمینه است؛ که با واقع بینی نظر به فطرت و سرشت انسانی دارد و در آن حتی‌المقدور سهم تمام اقشار با توجه به واقعیات عینی، تنوع و گوناگونی و گرایشات متضادی که واقعیت طبیعی هر جامعه آنرا اقتضا می‌کند ملحوظ می‌گردد بنابراین چشم‌انداز فقط معطوف به اهداف استناها و انسانهای ایده‌آل و کمال‌طلب جامعه نیست بلکه رهبران چشم‌انداز واقفند که «متاع کفر و دین بی‌مشرتی نیست»؛ از این رو سهم استکمال اجزاء فرهنگ جامعه و خرده‌فرهنگ‌ها و آحاد جامعه در "چشم‌انداز" آنها مغفول نمی‌ماند. لذا چشم‌انداز بیش از آنکه به اموری بپردازد که از جنس آرزو هستند به اموری می‌پردازد که از جنس هدف و

## مقدمه: چشم‌انداز، اهداف

و مأل و مقصد جامعه را در آینده بلند مدت ترسیم می‌کند و متعلق به دوران بالندگی و بلوغ و رشد جوامع است تا جوامع توجه به آینده ندارند و در حال زندگی می‌کنند گویی در دوران کودکی خود به سر می‌برند؛ اما حرکت بسوی اهداف چشم‌انداز راه، زمان و زمینه مساعد می‌خواهد. آمایش فرهنگی و مهندسی فرهنگی راهها و زمینه‌های چشم‌انداز کشور هستند.

آمایش فرهنگی اجمالاً نوعی برنامه‌ریزی راهبردی (استراتژیک) است که از آماده و مستعد کردن زمینه‌های رشد و تعالی فرهنگ آغاز می‌شود و به صورت فرارونده مجموعه فعالیت‌های آشکار و پنهان فرهنگ جامعه و هدلیزهای آن را در لایه‌های شوون ذاتی، صفاتی و رفتاری جامعه کشف و بهترین نوع ارتباط و تعامل حقیقی با اعتباری بین آنها را با مشخصه‌های جغرافیایی و تاریخی معرفی می‌کند بنابراین تعامل و مهندسی "چشم‌انداز" و "آمایش فرهنگی" و "نقشه مهندسی کشور" از عوامل اصلی موفقیت چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ محسوب می‌شود.

در دنیای کنونی «چشم‌انداز» یکی از عناوین مقوله‌های پیشرفته علوم مدیریتی کلان است که از اهم الزامات توسعه یک جامعه محسوب می‌شود و در اصطلاح به معنای «راهنمای عمل» است که به زبان برنامه به آن چشم‌انداز بلند مدت گفته می‌شود که برآمده از مبانی، اصول و آرمانهای جامعه می‌باشد. همچنانکه اول صورت ذهنی بنا و ساختمان در فکر مهندس پدید می‌آید و این صورت

سه گانه جهان امروز می دانست:

- ۱) تعبیر روحانی و معنوی از جهان به این معنا که جهان ماهیتی از اوبی و به سوی اوبی دارد.
- ۲) آزادی روحانی فرد که از آن به نام «دموکراسی اسلامی» نام می برد

ایدئولوژی جامع و درستی که بتواند راه و رسم زندگی بشر را در مسیر تکاملی و پیشرفت قرار دهد.

مطهری، پیامون انقلاب اسلامی، ۹۸.

و تأکید می فرمود که آینده ما جز این که برپایه ارزشهای اسلامی باشد قابل بقاء نیست (مطهری، آینده معنای اسلامی، ۱۰۸)

حقیقت این است که چشم انداز ما ایرانیان با انتخاب اسلام در ۱۴ قرن قبل رقم خورده است. چشم انداز جامعه ایرانی «عبودیت الله تعالی» است و این عبودیت از راه آشنایی با معارف قرآن و سنت، داشتن اخلاق و فضائل انسانی و جاری و ساری شدن احکام و دستورات فردی و اجتماعی که همسو با فطرت و سرشت انسانی است حاصل شدنی است؛ همه کار و هنر رهبران و مدیران و آحاد مردم جامعه، آماده کردن زمینه های تحقق این هدف متعالی است یعنی برقرار کردن ارتباط خالصانه به طور مطلق، با حقیقت مطلق حق تعالی است. عبودیت چون امری نامحدود است لذا عین وارستگی و عدم محدودیت است و مقصد و مآل مسلمانان این است که بتوانند این عبودیت را در تمام شؤون فردی و اجتماعی اعم از فرهنگی، اقتصادی، قضائی، سیاسی، اجتماعی و... جاری و ساری کنند.

### سند چشم انداز و اعتقاد به قیام انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج)

تردیدی نیست که تحقق اهداف کلان اجتماعی بستگی تام به تعلقات فرهنگی و مطلوبات اعتقادی جامعه و بهره برداری از پتانسیل خلاق مردم و علائق و تمایلات اعضای آن جامعه دارد از طرفی می دانیم که چشم انداز و نوید مقدس انقلاب مهدی (عج) و تشکیل جامعه جهانی در کلمات جامع پیامبر اکرم (ص) به گونه ای است که همه

طوائف و طبقات مسلمین بدان اذعان دارند که آینده ای روشن و سعادت بخش در انتظار بشریت است (نه فقط شیعه و نه فقط مسلمانان) و بهره معنوی که از اعتقاد به حکومت جهانی «مهدی موعود» حاصل می شود از پشتوانه های اساسی تحقق اهداف چشم انداز است زیرا روشی که اسلام

به منظور تأمین سعادت واقعی بشر، برای پیروان خود معین کرده روشی ممزوج از «اعتقاد و عمل» بنحوی است که بدون اعتقاد به ظهور مهدی، اثر واقعی و کامل خود را نمی تواند ببخشد.

تصور ظهور مهدی (عج) در ردیف تصور وقوع قیامت می باشد، و چنانکه اعتقاد به پاداش عمل، نگرهبان داخلی است که به هر نیکوکاری امر و از هر بدکاری نهی می کند، همچنین اعتقاد به ظهور مهدی، نگرهبان دیگری است که برای حفاظت حیات درونی پیروان واقع بین اسلام گماشته شده است (ر.ک. به کتاب شیعیه، مجموعه مذاکرات با هانری کریز: ۸۳، ۸۴ و ۸۵ محمد حسین طباطبایی انتشارات هجرت قم مرکز بررسی های اسلامی، ۱۳۳۸ شمسی).

دعوت اسلامی از همان روزهای نخستین پیدایش خود، گوش پیروان خود را از راه کتاب و سنت (عقل هم که موافق بود) با این مطلب پر کرده و افهامشان را با این معنی آشنا می ساخت که:

روش اسلام (یعنی اجابت ندای وجدان و نهاد خدادادی که به متابعت حق، در اعتقاد و عمل ترغیب می کند) متابعت یک حقیقت زنده و یک نیروی شکست ناپذیر غیبی است که پیوسته جامعه بشری را بسوی سعادت رهبری می نماید، و حتماً روزی خواسته خود را فعلیت داده و جامعه عمل خواهد پوشانید.

متفکر شهید استاد مطهری آینده جوامع را مطابق نظر مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان (ج ۴ ص ۱۰۶) چنین ترسیم می کند:

«آینده جوامع بشری چگونه است؟ آیا این فرهنگها و تمدنها و این جامعه ها و ملیتها برای همیشه به وضع موجود ادامه می دهند، یا حرکت انسانیت به سوی تمدن و فرهنگ یگانه و جامعه یگانه است و همه اینها در آینده رنگ خاص خود را خواهند یافت و به یک رنگ که رنگ اصلی اوست و رنگ انسانیت است در خواهند آمد؟... باید گفت جامعه ها و تمدنها و فرهنگها به سوی یگانه شدن، متحدالشکل شدن و در نهایت امر در یکدیگر

ادغام شدن سیر می کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی واحد تکامل یافته است که در آن همه ارزشهای امکانی انسانیت به فعلیت می رسد و انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی خود و بالاخره به انسانیت اصیل خود خواهد رسید. از نظر قرآن این مطلب مسلم است که حکومت

نهایی حکومت حق و نابود شدن یکسره باطل است و عاقبت از آن تقوا و متقیان است» (مطهری، مرتعی، مجموعه آثار ج ۲: ۳۲۸ و ۳۲۹)

### برای دستیابی به اهداف چشم انداز راهبرد اصلی چیست؟

برای دستیابی به اهداف چشم انداز، راهبرد اصلی داشتن "رویکرد فرهنگی فرابخشی" نسبت به همه ابعاد فرهنگ جامعه است. یعنی نباید فرهنگ به عنوان یک بخش از جامعه در کنار سایر بخشهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، قضائی و... در نظر گرفته شود. متأسفانه سایه نگاه اقتصادی در چشم انداز، اهداف و سیاستهای برنامه ریزی های کشور محسوس است. حال آنکه فرهنگ بعنوان نقطه شروع و مقدمه هر نوع تغییر و تحول در جامعه و سنگ بنای توسعه و تقریب به هر نوع "چشم انداز" محسوب می شود. به طوریکه بدون اصل قراردادن رشد و تعالی روحی و معنوی جامعه و ساماندهی و انسجام فرهنگی و ساختاری سخن از توسعه و اهداف چشم انداز به منزله سخن از رسیدن به هدف بدون پیمودن راه خواهد بود و اگر موانع تحقق چشم انداز را لیست کنیم فقدان رشد اجتماعی و فرهنگی از مشکلات مهم آن خواهد بود چراکه فرهنگ و اندیشه پایه همه رفتارهای انسانی به شمار می رود. از اینرو در سند چشم انداز و برنامه های متوالی و مسلسل توسعه حتی به فرهنگ هم باید نگاهی فرهنگی داشت یعنی فرهنگی که به ارزشهای متعالی اسلامی و انسانی معطوف باشد نه به "سیاست" و "اقتصاد" حتی توسعه علمی ما هم می بایست مبتنی بر فضائل اخلاقی باشد و تا برای جامعه ایرانی «زندگانی فرهنگی» به بار آورد، نه زندگانی «اقتصادی» و «سیاسی». لذا از جمله پیشنهادهای این مقاله است که «مجمع تشخیص مصلحت نظام» به عنوان تدوین کننده "سند چشم انداز" و "شورای عالی انقلاب فرهنگی" به عنوان متولی ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی کشور، "سازمان مدیریت و برنامه ریزی" به عنوان متولی «طرح ملی آمایش سرزمین» و "وزارت مسکن و شهرسازی" به عنوان متولی «طرح ملی کالبدی کشور» با تشکیل «ستاد مشترک فرهنگی کشور» در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، با نگاه و رویکرد فرهنگی چشم انداز و برنامه های کلان کشور را مهندسی مجدد کنند و ضمن ارزیابی میزان انسجام درونی و ساختاری این اسناد و سیاستها:

اولاً: الزامات، ثانیاً: متولیان، ثالثاً: ناظران و چگونگی ارزیابی تحقق اهداف چشم انداز را تعیین و علاوه بر سهم مردم که به منزله "چشم ناظر" و "کنترل گر"

خواهند بود، وظایف دستگاهها، مؤسسات، سازمان‌ها و نهادها در ارتباط با تحقق "چشم‌انداز" را مشخص و از طریق مصوبات مجلس و مصوبات هیأت دولت سیاستها و برنامه‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی را جنبه قانونی و لازم الاجرا دهند درگیر این صورت سند چشم‌انداز ما فقط آرزو خواهد بود!

## آیا سند چشم‌انداز ماهیت فرهنگی جامع دارد؟

پرسش اصلی این مقاله درخصوص سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ این است که آیا سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور با رویکرد و نگاه جامع فرهنگی تدوین شده است؟ به عبارت دیگر آیا سند چشم‌انداز ماهیتی فرهنگی دارد؟

حقیقت این است که نظام برنامه‌ریزی کشور ما که بر پایه برنامه‌ریزی بخشی، بی‌ریزی شده و تقریباً حدود ۶۰ سال سابقه دارد از ابتدا به تقلید از دیدگاههای غربی، رویکردهای بخش اقتصاد بر تمام بخشهای دیگر غالب بوده و متأسفانه الان هم سایه آن در برنامه‌های توسعه کشور و سند چشم‌انداز مشهود است و هم اکنون نیز الگوهای توسعه ما عملاً با محوریت اقتصاد تدوین می‌شود که در این خصوص شواهد ذیل قابل تأمل است:

۱- نگاهی ولو اجمالی به جداول پایان برنامه چهارم توسعه و نگاه به صفحه اول سند چشم‌انداز گویای این واقعیت است که چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ و برنامه چهارم توسعه با غلبه رویکرد اقتصادی تدوین شده است. این درحالی است که علاوه بر باورهای دینی ما، شالوده نظری قانون اساسی و فرمایشات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، همگی حتی تئوری پردازان توسعه جهان امروز نیز به این نتیجه رسیده‌اند که بدون اساس قراردادن فرهنگ نمی‌توان از توسعه درونزا و یا حتی توسعه ملی سخن به میان آورد. حال آنکه در بند اول سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ آمده است:

«ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه» یعنی ایران در سال ۱۴۰۴ باید به قدرت اقتصادی منطقه تبدیل شود. حال آنکه امروز همگی بالاتفاق درمی‌یابیم که فقدان نگاه و رویکرد فرهنگی از مشکلات مهم ماست. مثلاً مشکل ما در رسیدن به موفقیت‌های اقتصادی کمبود سرمایه و امکانات نیست بلکه مدیریت ما کمبودهایی دارد و مسائل فرهنگی و روحیات خاص اجتماعی ما موانع اصلی هستند به عنوان مثال یکی از مشکلات ما برداشت و تلقی مردم از کار و تلاش است کار در جامعه به عنوان تأمین معاش مطرح است حال آنکه کار در تعلیم دینی لازمه شخصیت سالم است ولو کسی

نیاز مالی هم نداشته باشد بازهم باید کار کند. به طور کلی اگر روحیات اجتماعی و فرهنگی متناسب اهداف متعالی و کسب لیاقت و شایستگی نسبت به بهره‌برداری از امکانات و سرمایه‌ها نباشد هیچ رشدی حاصل نمی‌شود که رشد اقتصادی هم یکی از آنهاست. کاش بند اول چشم‌انداز ما رسیدن به «رشداسلامی» قرار می‌گرفت که مرحوم استاد شهید مطهری حدود ۳۰ سال پیش به آن توجه داد و گفت: «... رندها متفاوت است؛ هر مسئولیتی رشد مخصوص بخود لازم دارد. رشد یعنی لیاقت و شایستگی برای نگهداری و بهره‌برداری از امکانات و سرمایه‌هایی که در اختیار انسان قرار داده شده است» (مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۳) اگر ملتی رشید باشد راه پیشرفت خود را خودش می‌یابد. بهر حال راه برون رفتن از «وضع موجود» و رسیدن به «وضع مطلوب» در تمام حوزه‌ها اعم از اقتصادی و اجتماعی و... تحول در فضای فکری و فرهنگی است اما متأسفانه همچنانکه شهید آوینی می‌گفت:

«علیرغم آنکه انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی است، در نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، نقش فرهنگ مستقلاً مورد عنایت نیست، حتی فرهنگ تابعی از توابع توسعه اقتصادی و تکنولوژیک نیست؛ چه رسد به آنکه خود مبنایی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در اقتصاد و سیاست باشد (متأسفانه) دولت مردان ما حتی از اهمیت فرهنگ توسعه در امر توسعه اقتصادی و صنعتی غافل‌اند، چه رسد

به آنکه تعارض ذاتی میان توسعه صنعتی - به مفهوم جدید - و تعالی فرهنگی را دریابند.» - (رستاخیز خان‌شهید آوینی: ۱۰۱-۹۹) (۲) اولین برنامه‌های که در راستای سند چشم‌انداز کشور ترسیم شده است برنامه چهارم توسعه است. متأسفانه حتی در جداول شاخصهای فرهنگی قانون چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ شاخصهای فرهنگی و

پژوهشی را هم با دید اقتصادی ملاحظه کرده‌اند! برای نمونه در این شاخصها تأکید بر تولید بیشتر کتاب شده است. اما متأسفانه بازده فرهنگی تولید کتاب مغفول است؛ تعداد عناوین انتشارات چه مشکلی از مشکلات فرهنگی ما را حل می‌کند. در این برنامه پیش‌بینی و برنامه‌ریزی شده که تعداد عناوین کتابهای منتشر شده به ازاء ۱۰۰ هزار نفر جمعیت از ۲۳/۷ برسد به ۵۴/۹ (جداول برنامه چهارم توسعه، بخش هفتم قانون برنامه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، چاپ هشتم ۱۳۸۴) اما توجهی به این مهم نشده که نرخ کتابخوانان

در آغاز برنامه چه رقمی بوده و در پایان برنامه از چه رشدی باید برخوردار باشد ما در رابطه با راهبرد و استراتژی فرهنگی به بازده فرهنگی باید بیندیشیم نه به تکثیر کتاب‌ها آنها هم متأسفانه بلحاظ کیفی به گواهی داوران کتاب سال ۸۵ با آثار شاخصی مواجه نیستیم یعنی، آنچه در عمل هم اتفاق افتاده متأسفانه توسعه کمی بوده نه کیفی.

(۳) دبیر محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام در مصاحبه مفصلی با خبرگزاری فارس درخصوص سند چشم‌انداز مآلاً اظهار می‌دارد:

«چشم‌انداز برای این درست شده که به یک انقلاب اقتصادی - اجتماعی کشیده شود» (در مصاحبه خبرگزاری فارس با دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام - ۸۵:۹:۲۶ گروه ایران ۱۴۰۴ www.farsnews.net/newstont)

(۴) در بند(ز) ماده ۱۵۵ قانون برنامه چهارم توسعه، توسعه فرهنگی بعنوان محور نهم آمده است. این نکته بخودی خود حکایت می‌کند که مسأله اصلی تدوین کنندگان اولین برنامه چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور «فرهنگ» نبوده است. حال آنکه فرهنگ مقوله‌ای نیست که آنرا بصورت بخشی در برنامه‌ها ببینیم، گذشته از اینکه چشم‌انداز بالذات مقوله‌ای فرهنگی است و انقلاب ما هم فرهنگی بوده و هست. مضافاً اینکه در این فصل تبیین درسی از نقش و جایگاه‌های نهاد مسئول در حوزه فرهنگ و اولویت بندی اهداف و برنامه‌های فرهنگی به چشم نمی‌خورد.

(۵) گذشته از عدم اشراف مقوله فرهنگ به عنوان امری فرابخش برسند چشم‌انداز معلوم نیست که چه کسی و کدام نهاد متولی این سند است و متأسفانه کارشناسان اظهار می‌دارند که با مدیریت دولتی کنونی تحقق این چشم‌انداز امکان پذیر نیست. ضرورت آمایش فرهنگی برای تحقق اهداف چشم‌انداز:

در سند چشم‌انداز اهداف مشخص می‌شود به عبارت دیگر سند معطوف به هدف است یعنی آینده‌ای که می‌خواهیم آنرا بسازیم اما همچنان که اشاره شد گذشته از اینکه انقلاب ایران، انقلابی ماهیتاً فرهنگی است. اصولاً رسیدن به هر نوع چشم‌انداز فرع تحول فرهنگی است. بنابراین آنچه در تحقق سند چشم‌انداز نقش اصلی را ایفا می‌کند، اندیشه و فرهنگ است. چشم‌انداز اهداف و مآل و مقصد آینده بلندمدت جامعه است بنابراین متعلق به دوران کودکی جوامع نمی‌شود جوامع تا صاحب

**اگر روحیات اجتماعی و فرهنگی متناسب اهداف متعالی و کسب لیاقت و شایستگی نسبت به بهره‌برداری از امکانات و سرمایه‌ها نباشد هیچ رشدی حاصل نمی‌شود**

تفکر نباشند آینده‌ای بر ایشان موضوعیت پیدا نمی‌کند خود موضوعیت پیدا کردن اینکه ما به کجا می‌خواهیم برویم؟ مقصد ما چیست؟ آغاز بالندگی و حرکت به سوی چشم‌انداز است اما این حرکت زمان و زمینه و شرایط مناسب می‌خواهد و لذا اینجاست که آمایش فرهنگی ضرورت پیدا می‌کند.

سند معطوف به هدف است در سند اهداف مشخص می‌شود و آمایش فرهنگی نقشه و راه رسیدن به اهداف چشم‌انداز را نشان می‌دهد. کلمه آمایش اسم مصدر «آمودن» و «آمایدن»، به معنای مهیا کردن، حاضر و آماده و مستعد کردن است اما

به معنای اصطلاحی این

مقاله آمایش فرهنگی  
اجمالاً نوعی برنامه‌ریزی  
راهبردی (استراتژیک)  
است که از آماده و  
مستعد کردن زمینه‌های  
رشد و تعالی فرهنگ  
جامعه و مهندسی مجدد  
در اصول و مبانی و  
فرآیندها و ساختارهای  
موجود آغاز می‌شود  
و به صورت فرارونده  
مجموعه فعالیت‌های  
اشکار و پنهان فرهنگ  
جامعه و دهلیزهای تو

در سوی آن را در لایه‌های شئون ذاتی، صفاتی و رفتاری جامعه کشف و بهترین نوع ارتباط و تعامل حقیقی یا اعتباری بین آنها را با مشخصه ای جغرافیایی و تاریخی معرفی می‌کند؛ اصول و مبانی فرهنگ در آمایش فرهنگی از شئون و چگونگی هستی انسان استحصال می‌گردد.

موضوع آمایش فرهنگی برنامه‌ای راهبردی فقط برای اداره امور سازمان‌های فرهنگی که مأموریت و هویت اصلی آنها ارائه خدمات فرهنگی به جامعه است، نیست بلکه موضوعش همه مردم جامعه و همه سازمان‌های موجود کشور اعم از فرهنگی بوده و همه مواهب و سرمایه‌های مادی و معنوی موجود در فرهنگ و طبیعت کشور را دربرمی‌گیرد و بدیهی است که آمایش در سطوح خرد و کلان قابل اعمال بوده و نه تنها در سطح منطقه‌ای و جهانی قابلیت توسعه و تعمیق دارد بلکه شامل دنیا و آخرت انسان نیز می‌گردد (از یک مدلی برای تجزیه و تحلیل فرهنگ، جامعه، مهندس بهروز واعظی) چرا که آخرت چیزی جز ظهور حقیقت ذات، صفات و رفتار آدمی آنچنانکه بوده است نه آنچنانکه می‌نماید است چون رسیدن به اهداف چشم‌انداز جامعه بدون تمهیدات فکری و زمینه‌های فرهنگی و پیمودن راه هدف ممکن نیست لذا بدون آمایش فرهنگی که راه هدف است سخن از چشم‌انداز واقع بینانه نخواهد بود. از طرفی فرهنگی که مهندسی

نشود سامان و انسجام درونی نخواهد داشت. از اینرو مدیریت فرهنگی به تنهایی از عهده پیچیدگی‌های مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و ساختارهای تشکیل شده جهانی بر نمی‌آید بلکه علاوه بر مدیریت؛ مهندسی هم باید کرد از این رو «آمایش فرهنگی»، «مهندسی فرهنگی کشور» و «طرح ملی کالبدی» از مقدمات و طرق موفقیت چشم‌انداز ایران هستند. ۱۴۰۴

### پشتوانه‌ها و الزامات اصلی آمایش فرهنگی به عنوان راه تحقق چشم‌انداز

۱- اندیشه و چشم‌انداز

تردیدی نیست که تحقق هر چشم‌اندازی فرع بر فکر و اندیشه است چرا که مال اندیشی خواهد بود و لازمه آینده نگری و عاقبت بینی تفکر و اندیشه است. درست است که فرهنگ از مهمترین عناصر اثر بخش در چگونگی تدوین و تحقق اهداف چشم‌انداز هر جامعه است اما در این میان عنصر دیگری هم وجود دارد که بسیار سریعتر و

مستقیم‌تر از فرهنگ سرنوشت تحقق یا عدم تحقق اهداف "چشم‌انداز" را در افق دید آحاد مردم مابشرتاً رقم می‌زند و آن «فکر و اندیشه» است.

نهادینه کردن روند تفکر و اندیشه از امهات تحقق و الزامات چشم‌انداز کشور است چرا که هر چشم‌اندازی طبیعتاً فرهنگی است زیرا اولاً و بالذات اگر قرار است جامعه به طرف هدف و مقصدی حرکت کند و برنامه‌هایش را به منصفه ظهور برساند؛ این حرکت‌ها فرع بر آگاهی و اندیشه است. مدیران جامعه و آحاد مردم باید تلاش کنند تا بدانند و فهم کنند که به طرف چه هدفی و باچه انگیزه‌ای باید حرکت کنند؟ برای ایجاد زمینه‌های آگاهی نسبت به سند چشم‌انداز ضروری است که از دوران تحصیل کودکان ایرانی در کتاب‌های درسی با اهداف این سند آشنا شوند و به زبان ساده سند و آثار آن در زندگی جمعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا زمینه‌های انتقال چشم‌انداز به افراد جامعه در یک مسیر طبیعی صورت پذیرد، و علاوه بر آگاهی نسبت به اهداف چشم‌انداز کودکان و نوجوانان ما سهم خود را در راه نیل به آن بدانند و آماده پرداخت سهم خود باشند؛ اینجاست که نقش «اندیشه و تفکر» و جامعه شناسی مطالعه در سرایت چشم‌انداز به جامعه و دولت جایگاه ویژه می‌یابد

۲- همچنانکه در بحث لغوی در خصوص آمایش

ملاحظه کردیم آمایش بمعنای مستعد کردن و آماده کردن بود کاری که از دوائر و سازمان‌های دولتی و نیمه دولتی و غیردولتی ساخته است (اعم از اینکه مأموریتشان فرهنگی باشد یا اقتصادی و سیاسی و...) و آنچه از آنها مورد انتظار است این است که اولاً و بالذات محیط زیست انسانی سازمانی خود را مستعد اهداف متعالی اسلامی کنند و سپس زمینه‌های رشد ابعاد معنوی ارتباطات خود را با مردم تعالی بخشند مثلاً اگر سازمانی که از دولت بودجه می‌گیرد و موظف است چند کار از امور متنوع و کثیر مردم را انجام دهد سعی کند نوع ارتباط خود را به بهترین صورت که مقدرش هست انجام دهد و وقتی مردم به سازمانی رجوع می‌کنند بطور منطقی جواب بگیرند و کارشان روی روال منصفانه و عادلانه صورت گیرد مسلماً نحوه واکنشهای آنها روز به روز مطلوبتر خواهد شد و بدیهی است هر سازمان برای ارائه خدمات مطلوب، نیاز به باز مهندسی فرآیندهای اجرایی و ساختاری خود را دارد که اینها همه در آمایش فرهنگی جزء به جزء قابل تجزیه تحلیل علمی تخصصی است

۳- اصل پشتوانه‌ها و الزامات اصلی آمایش فرهنگی که منجر به تحقق اهداف چشم‌انداز می‌شود در حقیقت یک کلمه بیشتر نیست و آن «ایمان» به مبدأ و معاد است و به قول بزرگ مفسر قرآن مرحوم آیت الله علامه محمد حسین طباطبایی:

«تأثیر ایمان به معاد در اعمال فردی و اجتماعی افراد از این راه است که انسان معتقد به معاد می‌داند که اعمالش دائماً تحت کنترل بوده و ظاهر و باطن اعمالش (پنهان و آشکار) پیش خدای دانا و بینا روشن بوده و روزی درپیش دارد که با کمال دقت به حساب وی رسیدگی خواهد شد و این عقیده کاری را در انسان انجام می‌دهد که از دست هزار پلیس مخفی و مأمور آگاهی بر نمی‌آید، زیرا آنها از بیرون کار می‌کنند و این یک نگرهبان داخلی است که هیچ سزای را نمی‌شود از وی پوشید.» (اعلامه طباطبایی، ۱۳۵۵، بررسی‌های اسلامی جلد ۲).

و چون شئون سه گانه فرهنگ اجتماعی در لایه‌های اصلی ذاتی، صفاتی و رفتاری انسان منعکس می‌گردد لذا به طور کلی اعتقادات از قبیل ایمان به خدا، ایمان به سفرای الهی و پیغمبران خدا و اولیا خدا، ایمان به معاد و پاداش و کیفر حرف اول را در آمایش فرهنگی می‌زنند و سپس دستورات اخلاقی بعنوان ارزشها، اصالت دارند مثل عفت و تقوی راضی و شاکر و صابر بودن، اتحاد و اتفاق حلم و گذشت داشتن؛ حسادت و کینه، جبن و بخل نداشتن ظالم و بدخواه نبودن و دستورات عملی هم

مثل نماز و روزه حج و جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و دستوراتی در باب معاشرت اجتماعی از قبیل صدق و راستگویی احسان و انصاف، صلح ارحام و ترک دروغ و فحش ویدگویی و شراب و قمار و ربا و ریا و...

از همین رو مساله اصلی در آمایش فرهنگی این است که بتوانیم متغیرهای استراتژیک که منجر به مهیا و آماده شدن زمینه‌های رشد لایه‌های فرهنگی در حوزه‌های عقاید و جهان بینی و اخلاق حسنه و اعمال مطلوب می‌شود را به دست آوریم مثلاً «عدالت اجتماعی» یک متغیر استراتژیک در این حوزه محسوب می‌شود.

### نظارت و داوری در خصوص چشم‌انداز:

با امان نظر به اینکه چشم‌انداز می‌باید ماهیت فرهنگی داشته باشد و مطابق آنچه در این مقاله مطرح شد مال و مقصد چشم‌انداز، صورت فرهنگی فرابخشی خواهد داشت، لذا طبیعی است که کم و کیف تحقق اهداف چشم‌انداز نیازمند نظارت و داوری مستمر فرهنگی است و طبیعی است این مهم می‌بایست «توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی» صورت گیرد.

### چشم‌انداز و مهندسی فرهنگی کشور:

واژه «مهندسی» که از هندسه که معرب «اندازه» است وارد واژگان فارسی شده و امروزه کاربرد گسترده‌ای پیدا کرده است. منظور ما از مهندسی در حوزه فرهنگ نگاه سیستماتیک و نظام مند به مقوله فرهنگ است. سیستم یا منظومه مجموعه عناصر مادی یا غیرمادی را می‌گوئیم که یک کل سازمان دار را می‌سازند مانند منظومه شمسی، سیستم اعصاب انسان (مادی) یا مجموعه افکار علمی (غیرمادی) بمانند فلسفه صدرانی یا فلسفه کانت، که مجموعاً یک ساختمان نظری و معرفتی را درخصوص عالم ارائه می‌دهند. همچنان که در جهان آفرینش به جمادات و گیاهان و حیوانات و انسان توجه کنیم در آنها هزاران مصادیق طراحی سیستماتیک وجود دارد. لذا مراد از مهندسی نگرش سیستمی به واقعیات خارجی و واقعیات درونی انسان و جامعه است. این روش که از آن تعبیر به مهندسی می‌شود، در حقیقت نگرشی تألیفی و فراگیر است که از صنع الهی انتزاع شده است و محصول تکامل علم و تکنیک نیست بلکه اعجاب خلقت الهی است.

تعامل چشم‌انداز و مهندسی فرهنگی کشور مجال و فرصت بیشتری می‌طلبد اما اجمالاً اگر قرار است چشم‌انداز تحقق پیدا کند، تنها با مدیریت

به نتیجه نخواهد رسید بلکه نیازمند چیزی بالاتر از مدیریت است و آن به لحاظ اجرائی مهندسی کردن «سند چشم‌انداز» است. این درحالی است که متأسفانه تاکنون تفکر سیستمی و کل نگر برای اداره جامعه بطور جدی مورد توجه کافی قرار نگرفته است. همچنان که در پروژه‌های اجرایی مهندسی ساختمان برنامه زمان بندی شده جامع و مشخصی وجود دارد که شامل شناخت زمین به لحاظ مهندسی زمین شناسی و سپس آماده‌سازی زمین و احداث پی ساختمان و سپس ستون و سقف است و بعد از این مراحل نازک کاری شروع شده و کار به اتمام می‌رسد لازم است برای چشم‌انداز نیز مراحل چنین منتهی در وضعیت ویژه فرهنگی و اجتماعی پیش بینی و طراحی گردد و طی برنامه زمان بندی شده، شاخص‌ها و روش‌های ارزیابی پیش رفت کار به طور مستمر و متوالی مورد نظارت و داوری قرار گیرد. بنابراین بسیار ضروری است تا تدوین کنندگان چشم‌انداز تعامل جدی با دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی که نقشه مهندسی فرهنگی کشور را در دست تهیه دارند، داشته باشند.

### چه کسی یا چه نهادی باید متولی چشم‌انداز باشد؟

چشم‌انداز کشور که مفاد آن در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۵/۲۹ به تأیید هیأت دولت رسیده است و به سه قوه ابلاغ شده است؛ متأسفانه در مقام ایجاد زمینه‌های تحقق اهداف آن متولی ندارد. طبیعی است که بدون متولی خود چشم‌انداز، چشم‌انداز روشنی نخواهد داشت، لذا پیشنهاد این مقاله، این است که مجمع تشخیص مصلحت نظام بعنوان تدوین کننده این سند و شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان متولی نقشه مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بعنوان متولی آمایش سرزمین و وزارت مسکن و شهرسازی بعنوان متولی طرح ملی کالبدی، چهار ضلع دخیل در تعیین اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های کلان کشور مشترکاً با تشکیل «ستاد فرهنگی کشور» در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، پیگیری تحقق اهداف سند چشم‌انداز را با مشخص کردن شیوه و ارزیابی، وجهه همت خود قرار دهند. این چهار شورا و نهاد و سازمان و مجمع می‌توانند با همکاری هم زمینه‌ها و الزامات تحقق اهداف این سند را فراهم کنند. بطوریکه جریانات سیاسی جهانی و منطقه‌ای و یا اختلاف سلیق داخلی در روند اعمال سیاستهای کلی و پیشرفت برنامه‌های اجرایی پیش‌بینی شده خللی وارد نکند و آمد و شد دولت‌ها با امان نظر به خط مشی واحد و اهداف تعیین شده تأخیری در روند زمان بندی تهیه شده ایجاد نماید و بر مبنای مهندسی فرهنگ به آمایش فرهنگی بپردازد و تنها با فراهم کردن شرایط و زمینه‌های فرهنگی

مناسب ویژگی‌های آتی و آینده ایران ۱۴۰۴ که بصورت بذریه‌ای در وضعیت فعلی وجود دارد. رشد و شکوفایی و بالندگی این بذریه‌های معطوف به اهداف سند چشم‌انداز قطعی خواهد بود. طبیعی است مدیریت فرهنگی و مهندسی آن در این میان نقش اصلی را ایفا می‌کند.

همه می‌دانیم مدیریت در وضعیت کنونی جهان وظیفه‌های بسیار پیچیده و دشوار است و زمانی که مدیریت بر مقوله گسترده‌ای همچون فرهنگ بخواند صورت گیرد و این «مدیریت فرهنگی» بر روی همه سازمانهای موجود کشور اعمال شود. این صعوبت مضاعف خواهد شد. لذا ضرورت تحقیقات و پژوهشهای گسترده و مطالعات پیمایشی مستمر و متوالی از لوازمی است که متولیان چشم‌انداز باید به جد به آن بپردازند و تلاش کنند تا با ایجاد تعامل و هماهنگی؛ مواد «سند چشم‌انداز»، نقشه مهندسی فرهنگی کشور و «طرح ملی آمایش سرزمین» و «طرح ملی کالبدی» بعنوان چهار موادی باشند که یک «صورت فرهنگی» واحد داشته باشد که هدف و مقصد اصلی آنها «عبودیت حق تعالی» در تمام شؤون فرهنگ جامعه باشد اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و تا به آحاد مردم و همه سازمان‌های کشور جهتی همسو با این فرهنگ بدهد که البته بن کاری صعب و دشوار است.

### منابع:

- قرآن
- نهج‌البلاغه
- آوینی، مرتضی، آغاز بر یک پایان
- آوینی، مرتضی، رستاخیز جهان
- صحیفه نور
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۳۸). مجموعه مذاکرات با هانری کربن، قم مرکز بررسی‌های اسلامی: انتشارات هجرت
- علامه طباطبایی، محمدحسین، المیران فی تفسیرالقرآن
- متفکر شهیدمطهری، مرتضی، آینده انقلاب اسلامی ایران.
- مجموعه آثار استاد مطهری انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی. (۸۳۱). آینده انقلاب اسلامی ایران، انتشارات صدرا
- واعظی، بهروز، آمایش فرهنگی کشور، مقاله ارائه شده همایش ملی مهندسی فرهنگی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی دی ماه ۱۳۸۵ تهران
- یونسکو. (۶۷۳۱). فرهنگ و توسعه (رهیافت مردم شناختی توسعه) نعمت... فاضلی، محمد فاضلی، سازمان چاپ و انتشارات در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- Oxford Dictionary-1996-
- Wright sim, values and vision: managing transition: in public management, Febrarg 1994

